



A Semantic Reexamination of "Gambling" in Imami Jurisprudence

Alireza Hodaee¹ | Javad Soltanifard^{2*} | Ahmad Mohamadi³

1. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hodaee@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran. E-mail: j.soltani.f@ut.ac.ir
3. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran. E-mail: mohamadi.ahmad@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: March 16, 2023
Revised: September 29, 2023
Accepted: October 8, 2023
Published online: 28 September 2024

Keywords:
Gambling
Mayser
Wagering
Gambling tools
Winning

ABSTRACT

Gambling as an economic phenomenon has been prevalent in human life for a long time. Due to its harmful personal and social effects, it has been explicitly prohibited in the Holy Qur'an with the title of "Mayser". The prevalence of sophisticated and modern forms of gaming, especially among teenagers and young adults, has increased the risk of falling into the trap of the destructive effects of gambling. However, the difference of opinion in the definition of gambling and the lack of specific criteria in this field have sometimes made it difficult to recognize examples of gambling. In addition, the possibility of adaptation of emerging phenomena, such as "cryptomining" with gambling reveals the necessity of determining its rules more than ever. This research has achieved a precise definition of gambling using a descriptive-analytical method. The results obtained show that, firstly, the main characteristics of gambling are "game", "overcoming" and especially "wagering" and "risk." Essentially, there is no gambling tool in the concept of gambling. Of course, the origin of the sanctity of playing with gambling tools without wagering (such as playing with Passor in a recreational way) can be found in other reasons, such as the sanctity of Prevalence the ugly work. Secondly, contrary to common definitions, gambling is not specific to a two-player game. Thirdly, "wagering" in gambling - contrary to what comes from the famous words of jurists - is not limited to money, but can also include a commitment to do something.

Cite this article: Hodaee, A.; Soltanifard, J. & Mohammadi, A. (2024). A Semantic Reexamination of "Gambling" in Imami Jurisprudence. *Islamic Jurisprudential Researches*, 20, (3), 193-211.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.356652.1009280>



Author: Alireza Hodaee, Javad Soltanifard, Ahmad Mohammadi. **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.356652.1009280>



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

بازپژوهی معناشناختی «قمار» در فقه امامیه

علیرضا هدائی^۱ | جواد سلطانی فرد^{۲*} | احمد محمدی^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hodaee@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران، ایران. رایانامه: j.soltani.f@ut.ac.ir

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: mohamadi.ahmad@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

کلیدواژه:

قمار و میسر،

رهان و مرانه،

گروگذاری،

آلات و ابزار قمار،

بردویاخت.

«قمار» به مثابه پدیده‌ای اقتصادی از دیرباز در حیات بشر رواج داشته و به دلیل آثار زیان‌بار فردی و اجتماعی آن در قرآن کریم به‌صراحت از آن با عنوان «میسر» نهی شده است. رواج شکل پیچیده و مدرن بازی‌ها، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان، خطر گرفتار شدن در دام اثرهای ویران‌کننده قمار را افزایش داده است. اما اختلاف در تعریف قمار و نبود سنج‌های مشخص در این زمینه شناخت مصادیق قمار را بعضاً با مشکل مواجه ساخته است. به‌علاوه، احتمال انطباق پدیده‌های نوظهوری همچون «استخراج کوین‌ها» با قمار بیش‌ازپیش ضرورت تعیین ضابطه آن را آشکار می‌سازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به تعریفی جامع‌و مانع از قمار دست یافته است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اولاً مقومات اصلی قمار «لعب»، «غلبه»، و به‌ویژه «رهان» و «مخاطره» است و اساساً وجود ابزار قمار برخلاف آنچه بسیاری ادعا کرده‌اند مدخلیتی در تحقق مفهوم قمار ندارد؛ هرچند منشأ حرمت بازی با ابزار قمار بدون رهان و گروگذاری (مانند بازی با پاسور به شکل تفریحی) را می‌توان در دلایل دیگری همچون حرمت اشاعه فحشا جست‌وجو کرد. ثانیاً برخلاف تعاریف متداول قمار به بازی‌های دونفره اختصاص ندارد و می‌تواند طرف‌های بیشتری داشته باشد. ثالثاً «گرو» در قمار برخلاف آنچه از کلام مشهور فقها برمی‌آید تنها در مال خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند تعهدی بر انجام دادن کاری باشد.

استناد: هدائی، علیرضا؛ سلطانی فرد، جواد و محمدی، احمد. (۱۴۰۳). بازپژوهی معناشناختی «قمار» در فقه امامیه. پژوهش‌های فقهی، ۲۰ (۳)، ۲۱۱-۱۹۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.356652.1009280>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان: علیرضا هدائی، جواد سلطانی فرد، احمد محمدی



DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.356652.1009280>

۱. مقدمه

قماربازی سابقه‌ای چند هزارساله در زندگی بشر دارد؛ طوری که کتب تاریخی رواج برخی از انواع قمار، مانند بازی با نرد، را مربوط به زمان پادشاهی «برهمن» (یکی از پادشاهان هند باستان) در حدود قرن ۹ تا ۸ پیش از میلاد دانسته‌اند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۵). علت این پیشینه طولانی شوق نفسانی انسان برای به دست آوردن مال و ثروت در کوتاه‌ترین مدت و با کمترین تلاش است. آتش این طمع هنگامی که با باخت و از دست رفتن مال همراه شود شعله‌ور می‌شود و کسب مال بر بادرفته و آبروی ریخته‌شده قمارباز را به تکرار چندباره این بازی تشویق می‌کند تا آنجا که بر اثر باخت‌های مکرر هر آنچه داشته از دست بدهد و چیزی برای قمار کردن پیدا نکند (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶: ۱۱۳). در برخی از داستان‌های مربوط به قمار، قماربازان تا آنجا پیش رفته‌اند که خانه و کاشانه و حتی ناموس خود را به گرو گذاشته‌اند (امینی، ۱۴۱۶، ج ۷: ۱۲۷).

آثار ویرانگر فردی و اجتماعی این عمل همچون اضطراب، نگرانی، خودکشی، ایجاد کینه و دشمنی، طلاق، قتل، و نهایتاً دور شدن جامعه از مسیر تولید و پیشرفت بر کسی پوشیده نیست، تا آنجا که در بسیاری از کشورهای جهان مانند انگلستان، در سال ۱۸۵۳، آمریکا، در سال ۱۸۵۵، شوروی، در سال ۱۸۵۴، آلمان، در سال ۱۸۷۳، قمار ممنوع اعلام شده است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۲۸). به سبب وجود چنین پیامدهای مخربی در دین اسلام از قماربازی نهی شده و حرمت آن از طریق آیات و روایات بیان شده است.^۱

گفتنی است قمار از منظر تمامی فقها حرام بوده و تصرف در مالی که از این راه به دست می‌آید نیز مصداق اکل مال به باطل است (انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۱؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۸: ۱۸۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۹۱۲؛ حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۳۷۶؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۱۰۹؛ حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۸۵) تا جایی که حرمت قمار یکی از ضروریات دین به شمار رفته است (خویی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۲). امام خمینی^(ع) همه اقسام قمار را از گناهان کبیره می‌داند (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۴۷). علاوه بر آیات قرآن، که در ادامه ذکر خواهد شد، روایات متواتری بر حرمت قمار دلالت می‌کنند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۱۰۹) که به گفته علامه طباطبایی^(ع) این روایات در شیعه و سنی به اندازه‌ای زیاد است که از حد شمار بیرون است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۳۷).

قماربازی، با توجه به زمان‌ها و تمدن‌های مختلف، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته و بعضاً در هر عصری مصادیق خاص خود را داشته است. امروزه نیز با پیچیده شدن پدیده‌های بشری مسابقات و بازی‌ها نیز شکل پیچیده‌تری پیدا کرده است؛ طوری که در کنار شکل سنتی، شکل مدرن این بازی‌ها از طریق رایانه و ... به‌ویژه در میان نسل نوجوان و جوان، رواج پیدا کرده است. آنچه مهم است تشخیص بازی‌های قمار از میان سرگرمی‌ها و بازی‌های رایج با هدف گرفتار نشدن در دام پیامدها و اثرهای ویران‌کننده قمار است. برای رسیدن به این مهم، باید مفهوم شرعی قمار به‌درستی شناخته شود و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به‌طور دقیق شناسایی گردد. در غیر این صورت، نمی‌توان به‌درستی مصادیق قمار را شناخت و از آن‌ها اجتناب کرد. به‌علاوه، احتمال انطباق پدیده‌های نوظهوری همچون «استخراج کوین‌ها» با قمار بیش‌ازپیش ضرورت تعیین ضابطه آن را آشکار می‌سازد. با وجود چنین ضرورتی، فقیهان معمولاً معناشناسی دقیق قمار را پی نگرفته‌اند و از حرمت چیزی سخن گفته‌اند که معنای دقیق آن راه، که با قرآن کریم و روایات نیز هم‌سو باشد، به دست نداده‌اند. به همین جهت است که در لسان آنان نمی‌توان تعریف دقیقی از قمار، که جامع افراد و مانع اغیار باشد، پیدا کرد. به‌علاوه، تعاریف فقیهان گاه ناهمگون است و منشأ آثار متفاوتی در علم فقه شده است؛ طوری که گاهی در مصداقیابی اشتباهاتی رخ داده تا آنجا که برخی از آنان در مواردی اعمالی را قمار دانسته‌اند که با تعریف مشهور فقهی از قمار، که بعضاً خود نیز پذیرفته‌اند، انطباقی ندارد. مثلاً، برخی بیع آنچه معلوم نباشد را قمار دانسته‌اند (حلی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۱۲).^۲ به نظر می‌رسد ریشه چنین توسعی در معنای قمار را می‌توان در کتب اهل تسنن یافت؛ زیرا برخی از آنان معتقدند که میسر دو نوع است: یک نوع در مسابقات و نوع دیگر در معاملات (سعدی، ۱۴۳۲، ج ۸: ۱۰۲).

خلاصه آنکه نپرداختن بسیاری از فقها به تحلیل معنایی واژه «قمار» و همچنین نارسایی تعاریف موجود از آن از یک سو و

۱. آیات و روایات در ادامه ذکر خواهند شد.

۲. برخی از دانشمندان اهل تسنن، علاوه بر «بازی با نرد و شطرنج»، «بیوع غرر» را نیز مشمول عنوان قمار دانسته‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۵۴).

فقدان پژوهش مستقلی در این زمینه از سوی دیگر نگارندگان این جستار را بر آن داشت که به ذکر مهم ترین تعاریف ارائه شده در این زمینه و سپس راستی آزمایی آن ها با بررسی آیات و روایات باب پردازند و در نهایت تعریفی جامع و مانع از قمار ارائه دهند تا بر اساس آن بتوان جهت تشخیص مصادیق قمار به ویژه در مسابقات و بازی های عصر مدرن موفق بود.

۲. پیشینه تحقیق

در کتب فقهی از قمار بیشتر در دو باب «مکاسب محرّمه» و «سبق و رمایه» سخن رفته است. از آنجا که برخی از اقسام قمار مستقیم به خوردنی ها مربوط می شوند، در برخی از منابع، بحث از قمار، علاوه بر ابواب ذکر شده، در ابواب اطعمه و اشریه نیز آورده شده است. همچنین از آن رو که شهادت قمار باز پذیرفته نمی شود، به این مبحث در ابواب شهادات نیز اشاره شده است (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶: ۱۲۹). البته، در برخی از کتب حدیثی، روایات قمار با عنوانی مستقل همچون «باب القمار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۲۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۲۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۱۸) ذکر شده است.

با وجود این، همان طور که گفته شد، در منابع موجود معمولاً به طور مبسوط به مسئله قمار و بررسی عناصر تشکیل دهنده مفهوم آن پرداخته نشده و صرفاً بیشتر درباره اقسام و احکام آن سخن گفته شده است. به علاوه، در مواردی هم که تعاریفی از قمار ارائه شده تعریفی دقیق و جامع و مانع نیست. همچنین، در میان دیگر تحقیقات صورت گرفته، مانند مقالات، نیز پژوهش مستقل و مفصلی در زمینه «معنی شناسی قمار» به چشم نمی خورد. در عین حال، مواردی مرتبط با مسئله مورد بحث وجود دارد که بدان ها اشاره می شود:

الف) کتاب قمار، مسابقات و سرگرمی، نوشته صانعی، و کتاب شطرنج و قمار، نوشته پورامینی. در این دو کتاب به صورت اجمالی معنای قمار بررسی و در ادامه به احکام حالت های مختلف آن پرداخته شده است.

ب) کتاب القمار حقیقه و احکامه، نوشته سلیمان ملحم. نویسنده از عامه است و معنی و احکام قمار را از منظر اخبار و نیز آرای علمای اهل تسنن بررسی کرده است.

ج) مقالات «واکاوی مفهوم مخاطره در قراردادها با تأکید بر مفاهیم قمار و غرر» و «نسبت سنجی فقهی- حقوقی بخت آزمایی با قمار». در این دو مقاله نویسندگان به ترتیب به بررسی معنای مخاطره و انواع قراردادهای مخاطره آمیز و بخت آزمایی به عنوان یکی از مصادیق قمار پرداخته اند.

د) مقالات «تحلیل جرم قمار در فقه و حقوق ایران»، «مبانی فقهی جرم انگاری قمار در حقوق ایران»، «قماربازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری». نویسندگان در این مقالات به بررسی مبانی و آثار جرم انگاری قمار پرداخته اند و تعریف قانونی قمار در حقوق ایران را ارائه کرده اند.

ه) مقاله «بررسی صدق موضوعی قمار بر شرط بندی های اینترنتی با تأکید بر اندیشه های امام خمینی^(ع)». در این مقاله ضمن اشاره اجمالی به معنای قمار و نظریات فقها درباره آن به بررسی مفهوم حقوقی آن و همچنین اثبات صدق موضوعی قمار بر شرط بندی های اینترنتی پرداخته شده است.

بنابراین روشن می شود که تا کنون پژوهش مستقلی در زمینه معنا شناسی فقهی قمار و ارائه تعریفی دقیق از آن صورت نگرفته است. به علاوه، تعریفی که در نهایت این جستار از قمار، به تبع باز شناسی عناصر دخیل در آن، ارائه می دهد متفاوت است با آنچه تا کنون به طور پراکنده به عنوان مفهوم قمار ارائه شده است.

۳. مفهوم شناسی

۱.۳. معنای لغوی قمار

واژه «قمار» بر وزن «فعال» همچون واژه «مُقَامَرَة» از مصادر باب «مفاعلة» و به معنای «قمار کردن» است. مشهور لغویان ریشه این کلمه را از واژه «قمر» دانسته اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۱۵) و درباره وجه اشتقاق آن مطالبی گفته اند (ابن منظور،

۱۴۱۴، ج ۵: ۱۱۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۱۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۳۱۷).^۱ این ریشه، علاوه بر باب مفاعلة، در باب‌های تفاعل و تفعّل نیز به ترتیب به معنای «قمار کردن» و «پیروز شدن در قمار» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۱۵).

واژه «قمار» در اکثر قریب‌به‌اتفاق کتب لغتی که به بررسی معنای کلمات قرآن کریم می‌پردازند به چشم نمی‌خورد. چون این واژه در قرآن کریم به کار نرفته و در دو جا (بقره/ ۲۱۹ و مائده/ ۹۰ و ۹۱)، آن هم با کلمه «میسر»، از آن یاد شده است. از سوی دیگر، به دلیل پیشینه کهن قمار و روشن بودن معنای آن در عرف^۲ برخی از کتاب‌های لغوی متقدم، مانند العین (قرن دوم)، ذیل «قمر» (ماه) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۶۱) مشخصاً به ذکر معنای این واژه نپرداخته و تنها در بیان معنای «میسر» اشاره‌ای به آن کرده‌اند؛^۳ هر چند که در جای دیگری از کتاب یادشده، در کنار قمار، معنای غلبه (چیرگی و پیروزی) ذکر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۰۵). در کتاب معجم مقاییس اللغة (قرن چهارم) نیز ضمن هم‌معنی دانستن میسر و قمار (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۵۶) به صراحت معنای قمار نیامده و قیودی برای آن مشخص نشده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۶). زمخشری (قرن پنجم و ششم) در کتاب أساس البلاغة در بیان معنای قمار، ضمن اشاره به معنای غلبه، آن را به معنای «فریب دادن» و «دخعه کردن» دانسته است (زمخشری، ۱۳۹۹: ۵۲۲). ابن اثیر (قرن ششم و هفتم) نیز در النهاية ضمن هم‌معنی دانستن میسر و قمار (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵: ۲۹۶)، نقل می‌کند که هر آنچه در آن قمار صورت گیرد میسر محسوب می‌شود، حتی بازی کودکان با گردو (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۴: ۱۵۴). همچنین ابن منظور (قرن هفتم و هشتم) در لسان‌العرب پس از جمع‌آوری اقوال معتقد است که قمار در بردارنده مفهوم «فریفتن» و «گول زدن» و به معنای نوعی بازی است که همراه با «رهان» (گروگذاری)^۴ باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۱۴ - ۱۱۵). هر چند در این تعریف اشاره‌ای به قید «غلبه» نشده، روشن است در جایی که چیزی رهن و گرو گذاشته شود باید با نوعی بردو باخت همراه باشد تا وجود رهن معنی پیدا کند. فیومی (قرن هشتم) در المصباح‌المنیر، بدون توضیحی، در بیان معنای قمار به مفهوم غلبه بر شخص دیگر اشاره می‌کند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۱۵). از این معنی مشخص می‌شود که از نظر وی قمار عملی است که با نوعی بردو باخت همراه باشد. زبیدی (قرن دوازدهم و سیزدهم) نیز در تاج‌العروس قمار کردن را نوعی بازی می‌داند که در آن چیزی رهن گذاشته شود و به فرد برنده داده شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۴۱۳). از مجموع سخن لغویان می‌توان چنین نتیجه گرفت که قمار نوعی «بازی» است که با «رهان» همراه باشد. البته از آنجا که قید «غلبه» در معنای «رهان» وجود دارد، جز اندکی، به آن اشاره نکرده‌اند.

گفتنی است در کتب لغت یادشده اشاره‌ای نشده که قمار لزوماً باید با ابزار و آلات مخصوص به آن صورت گیرد؛ این در حالی است که طریحی (قرن دهم و یازدهم) در مجمع‌البحرین، پس از اینکه جنس قمار را بازی کردن می‌داند، با آوردن قیدی توضیحی اشاره می‌کند که منظور بازی کردن با آلات مخصوص به قمار است، مانند شطرنج و نرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۶۳)، بدین معنی که قمارکنندگان چیزی را به عنوان رهن کنار بگذارند و با یکی از ابزار مخصوص قمار کنند، سپس، آنچه را گرو گذاشته شده به فرد پیروز دهند. بر اساس نقل این کتاب، فقط بازی همراه با مراهنه قمار نیست؛ بلکه باید قید دیگری را نیز بدان افزود که همان «استفاده از آلات مخصوص قمار» است.

خلاصه آنکه با بررسی کتب لغت چنین به دست می‌آید که بیشتر لغویان قمار را نوعی عمل و از جنس «بازی» و به منظور «غلبه» می‌دانند و «رهان» را مقوم اصلی معنای آن به شمار می‌آورند. در این میان، تنها کتاب مجمع‌البحرین «استفاده از آلات قمار» را نیز در بازی قمار دخیل دانسته است. گفتنی است با توجه به آنکه این کتاب شامل استنباط‌های فقهی و کلامی مؤلف نیز هست به نظر می‌رسد این قید به معنای اصطلاحی قمار اشاره دارد، نه معنای لغوی آن.

۱. برخی نیز به پنج قول در این زمینه اشاره کرده‌اند (ملجم، بی‌تا: ۶۲ - ۶۴؛ محمدی، ۱۴۰۲: ۷۸۹).

۲. «القمار معروف» (صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴، ج ۵: ۴۱۹).

۳. «المیسر: کل نمت و فعل یقمر علیه فهو القمار» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۵۵).

۴. گاهی در فارسی برخی از «رهان» تعبیر به «بردو باخت» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۵۴۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۱۰۰۳) یا «شرط‌بندی» (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۹۶۱) می‌کنند که خالی از مسامحه نیست؛ زیرا اولاً در هر بازی بردو باخت وجود دارد، چه در آن رهان باشد چه نباشد، ثانیاً قمار با شرط‌بندی تفاوت‌هایی دارد. از همین روی، در این مقاله به جای تعبیر یادشده از تعبیر «گروگذاری»، که معادل دقیق‌تری برای رهان یا مراهنه است، استفاده شده است.

۵. به ابزارهایی مانند پاسور و نرد، که نزد عرف ابزار مختص به قمار شناخته می‌شوند، «آلات قمار» می‌گویند (هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۵۲).

۲.۳. معنای اصطلاحی قمار

پس از آنکه معنای لنوی قمار به تفصیل بررسی شد، به بررسی معنای قمار در اصطلاح فقها پرداخته می‌شود. همان‌طور که گفته شد، قمار به اتفاق همه فقها حرام است. حال برای آنکه مشخص شود قمار، به عنوان موضوعی برای حکم حرمت از نظر شرع چه قیود و حدودی دارد، ضمن بررسی آیات و روایات، باید تعاریفی که فقها از قمار ارائه داده‌اند نیز نقد شود. در کتب فقهی تعریف‌های متفاوتی از قمار مطرح شده است. به گفته شیخ انصاری، قمار عبارت است از بازی با ابزارهای خاصی که در آن چیزی گرو گذاشته می‌شود (انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۱). در این تعریف، هم قید «ابزارهای مخصوص به قمار» به چشم می‌خورد هم قید «مراهنه». به علاوه، اساساً قمار نوعی «بازی» و از سنخ عمل دانسته شده است. همچنین، برخی همچون صاحب‌جوهر تصریح کرده‌اند که فرقی نیست میان آنکه گرو و رهن از جانب طرفین بازی قرار داده شود یا آنکه از طرف فرد ثالثی در نظر گرفته شده باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۱۰۹؛ صافی، ۱۴۲۸: ۳۰۵). البته این مطلب قابل مناقشه است که در پایان این نوشتار بدان اشاره خواهد شد.

۱.۲.۳. حالت‌های چهارگانه بازی

به طور کلی هر نوعی از بازی یا با ابزاری که برای قمار کردن ساخته و آماده شده است (آلات قمار) صورت می‌گیرد یا بدون آن؛ و هر یک از این دو حالت نیز یا با گروگذاری همراه است یا بدون آن. بنابراین یک بازی چهار حالت دارد^۱ (انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۱) که معمولاً در کتب فقهی در مباحث مربوط به قمار به آن‌ها اشاره می‌شود. ظاهراً اولین بار شیخ انصاری به این حالات چهارگانه اشاره کرده و برخی نیز به تبعیت از وی چنین تقسیم‌بندی‌ای را در کتب خود بیان کرده‌اند. این حالات چهارگانه عبارت‌اند از:

حالت اول. بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری؛ مانند بازی با پاسور همراه با گروگذاری.

حالت دوم. بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری؛ مانند بازی با پاسور بدون گروگذاری.

حالت سوم. بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری؛ مانند بازی با منج همراه با گروگذاری.

حالت چهارم. بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری؛ مانند بازی با منج بدون گروگذاری.

شکی نیست که حالت چهارم را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۸). با وجود این، درباره حکم این حالت اختلاف نظر وجود دارد. برخی، به دلیل اجماع، روایاتی خاص یا از آنجا که قائل به حرمت مطلق لهو هستند این حالت را از مصادیق لهو و در نتیجه حرام دانسته‌اند (حلی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۰ به بعد؛ انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۳۸۰).

۲.۲.۳. نظریات فقها در مورد قمار

پس از بیان حالت‌های چهارگانه یک بازی، اکنون به نظریاتی که درباره مفهوم شرعی قمار مطرح است اشاره می‌شود و پس از بررسی ادله قرآنی و روایی و عنصرشناسی مفهوم قمار، در پایان، تعریف مختار از آن بیان خواهد شد. بحث زیادی درباره ماهیت قمار و بعضاً درباره مصادیق و آلات آن در فقه دیده نمی‌شود. مثلاً صاحب‌جوهر می‌نویسد: «لاریب و لاخلاف فی أن اللعب بالآلات القمار کلها حرام کالشطرنج و الترد الذی فی بعض الأخبار أنه أشد من الشطرنج...» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۴۳).

از همین روی، در لسان فقها نمی‌توان برای قمار تعریف دقیقی پیدا کرد. البته در این میان برخی -همچون شیخ انصاری، امام خمینی^(۵)، محقق خویی و محقق خوانساری- راه دیگری را پیش گرفته و تا حدی به بررسی مفهوم قمار پرداخته‌اند؛ هرچند در کلام قریب به اتفاق اینان نیز تردید دیده می‌شود که خواهد آمد. می‌توان مهم‌ترین نظریات درباره قمار را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱. برخی در شرح کلام شیخ انصاری درباره قمار تا شش حالت نیز بیان کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۰، ج ۴: ۱۰۳، حاشیه ۲).

۳. ۲. ۱. نظریه اول. قمار عبارت است از بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری.

شیخ انصاری (بی تا، ج ۱: ۳۷۱ - ۳۷۲) ضمن ارائه این تعریف^۱ معتقد است علما نسبت به حرمت این نوع از بازی همداستان اند. از نظر امام خمینی^(ع) قدر متیقن از ادله و مصداق اکمل آن ها همین معنی برای قمار است (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۷). صاحب جامع المدارک (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۷) این تعریف را برگزیده و کاشف الغطاء (۱۴۲۰: ۴۰) نیز به آن اشاره کرده است. صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۱۰۹) نیز اصل قمار را بازی با آلات قمار همراه با گروگذاری می داند.

۳. ۲. ۲. نظریه دوم. قمار عبارت است از بازی ای که با گروگذاری همراه باشد (چه با ابزار مخصوص به قمار چه بدون آن).

بر اساس این نظریه، اگر در مسابقه ای آلات قمار وجود داشته باشد، اما رهانی در کار نباشد، نمی توان آن را از مصداق قمار به شمار آورد. در مقابل، اگر بازی حتی با ابزاری که عادتاً جزء آلات قمار نیستند (مانند گردو و انگشتر که در روایات آمده است) صورت بگیرد، اما گروگذاری در آن باشد، قمار محسوب می شود و حرام است.

محقق نراقی (۱۴۱۵، ج ۱۴: ۱۰۴) این نظریه را برگزیده است. شیخ انصاری با اینکه معتقد است صدق تعریف قمار بر بازی با گروگذاری بدون ابزار مخصوص قمار محرز نیست، آن را از نظر حکم (حرمت) ملحق به مورد قبل (بازی با آلات قمار همراه با گروگذاری) می داند (انصاری، بی تا، ج ۱: ۳۷۵). البته شیخ خود در ادامه می گوید: «ظاهراً مقارنه به معنای مغالبه دو طرف با شرط رهن است [چه با آلات قمار چه بدون آن]» (انصاری، بی تا، ج ۱: ۳۷۷)

از نظر محقق خوبی نیز گروگذاری در مفهوم قمار اخذ شده است، چه بازی با آلات مخصوص به قمار صورت بگیرد چه با غیر آن (خوبی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۸۵).

گفتنی است تعریفی که این نظریه از قمار در اصطلاح شرع ارائه می دهد با مفهوم لغوی قمار که در آن «رهان» اخذ شده بود (نه ابزار قمار) هماهنگی و تناسب دارد. شاهد دیگر آنکه در بسیاری از تعاریف دانشمندان اهل تسنن از قمار نیز مسئله نقل و انتقال مال جایگاه ویژه ای دارد. مثلاً، فخر رازی در تعریف میسر می گوید: «المیسر: ما یوجب دفع المال أو أخذ مال». (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۰۰) ابن تیمیه نیز می نویسد: «الْقِمَارُ مَعْنَاهُ أَنْ يُؤْخَذَ مَالُ الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى مُخَاطَرَةٍ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۵۴)

۳. ۲. ۳. نظریه سوم. قمار عبارت است از بازی ای که با ابزار مخصوص به آن انجام شود (چه با گروگذاری چه بدون آن).

شهید ثانی و محقق اردبیلی در تعریف قمار می نویسند: «قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه قمار مانند [بازی با] نرد و شطرنج.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۲۹؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۸: ۴۱)

صاحب جواهر نیز همین نظر را دارد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۱۰۹؛ ج ۴۱: ۵۶). همچنین برخی معتقدند که در عرف به کسی که بدون راهنما با آلات قمار بازی کند قمارباز می گویند (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۱۶، ۱۴۰؛ ایروانی نجفی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷). محقق کرکی نیز به این نظریه به عنوان یک احتمال اشاره کرده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۴).

بر اساس این نظریه، اگر کسی حتی به قصد تفریح کردن (نه گروگذاری) اقدام به بازی با ابزار قمار کند بازی او مصداق قمار خواهد بود.

۳. ۳. باز کاوی معنایی واژگان مرتبط

در این قسمت، به اجمال معنای واژگانی که در به دست آوردن تعریفی صحیح از قمار دخیل هستند بررسی می شود:

۳. ۳. ۱. میسر

به طور کلی در قرآن و روایات الفاظی به کار رفته اند که بر معنای قمار کردن دلالت دارند. این الفاظ به دو گروه کلی تقسیم می شوند: الف) الفاظی که معنای فعلی دارند؛ مانند میسر (این معنی محل بحث است).

۱. البته شیخ انصاری بعد از ذکر این تعریف به دو تعریف دیگر نیز اشاره می کند که به نوعی شاید بیانگر تردید ایشان نسبت به تعریف شرعی قمار است (انصاری، بی تا، ج ۱: ۳۷۱).

ب) الفاظی که معنای ابزار و آلات قمار دارند؛ از قبیل ازلام (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۰۰)، شطرنج، نرد و کعب (طاس‌های تخته‌نرد). این الفاظ بر نوعی خاص از قمار که آلات مخصوص خود را دارد دلالت دارند و مانند میسر و قمار معنایی فراگیر ندارند (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶: ۱۲۱).

آنچه در این نوشتار اهمیت دارد مفهوم‌شناسی کلمه «قمار» و مترادف آن، کلمه «میسر» است. درباره معنای لغوی قمار سخن گفته شد. اکنون به اختصار به معنی‌شناسی کلمه میسر پرداخته می‌شود.

واژه «میسر» از نظر مشهور لغویان مصدر میمی است که از ریشه «یسر» به معنای آسانی، در مقابل سختی (عُسر)، گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۹۸). از آنجا که مال به‌دست آمده از راه قمار به آسانی و بدون زحمت به شخص برنده می‌رسد، از قمار تعبیر به میسر شده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۲۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹۲).^۱ به قمارباز «یاسر» می‌گویند (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵: ۲۹۶)؛ زیرا درآمدی را مفت از آن خود می‌کند. مثلاً، در قمار با نرد فردی قاپ (طاس) می‌اندازد و با یک انداختن گاه پول هنگفتی را از آن خود می‌کند. اسلام اکتساب ثروت و انتقال مال را از یکی به دیگری به گونه یادشده و بدون زحمت ممنوع کرده و آن را مشروع نمی‌داند. چه بسا به همین جهت خداوند در قرآن کریم به جای کلمه «قمار» از واژه «میسر» استفاده کرده است تا به نوعی به وجه حرمت این عمل نیز اشاره‌ای داشته باشد.

در کتاب‌های لغت دو معنای کلی برای «میسر» بیان شده است:

الف) برخی میسر را به معنای فعل قمار کردن دانسته‌اند.^۲ البته در نوع ابزاری که در میسر استفاده می‌شود اختلاف است؛ از سخن برخی از لغت‌شناسان برمی‌آید که آنان بازی با همه ابزار مخصوص قمار را نوعی میسر می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵: ۲۹۶). برخی دیگر تنها بازی با نوع خاصی از ابزار را مصداق میسر دانسته‌اند؛ مانند بازی با قِداح، شطرنج، یا ازلام (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۹۸ - ۳۰۰). به نظر می‌رسد میسر از نظر لغوی به هر نوعی از قمار اطلاق می‌شود و مصادیق بیان شده توسط برخی لغویان اشاره به برخی از مصادیق به سبب غلبه آن‌ها برای عنوان کلی میسر است. گفتنی است واژه میسر در قرآن کریم (بقره/ ۲۱۹)^۳ و در برخی از روایات^۴ به همین معنای قمار کردن به کار رفته است.

ب) برخی نیز «میسر» را به معنای ابزار قمار کردن دانسته‌اند. طریحی (۱۳۷۵، ج ۳: ۵۲۰) می‌گوید: «قیل کل شیء یکون منه قمار فهو المیسر». تعبیر «شیء» به ابزار و آلات قمار اشاره دارد. گفتنی است در برخی از روایات^۵ میسر به همین معنی به کار رفته است.

نکته مهم آن است که معنای حقیقی میسر در اصطلاح دینی فعل قمار کردن است نه ابزار قمار کردن. چه بر اساس آیه ۲۱۹ سوره بقره، همان‌گونه که نوشیدن خمر در عین داشتن ضررهای فراوان منفعی نیز دارد، انجام دادن قمار (نه ابزار قمار) نیز دارای منفعی است. همچنین بر اساس آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده عمل قمار است که موجب عداوت و بغض می‌شود، نه ابزار قمار. بنابراین، در کاربرد قرآنی، میسر مطلقاً به معنای آلت استعمال نشده و اگر در برخی از روایات چنین معنایی برای میسر در نظر گرفته شده این استعمال به قرینه مشارفت مجازی خواهد بود.^۶

۳.۳.۲. لعب

«لعب» به کسر یا سکون عین مصدر و به معنای «بازی کردن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۴۸). راغب بر آن است که «لعب» از «لعب» گرفته شده و آن آبی است که از دهان کودک جاری می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۷۴۱). اینکه به بازی «لعب»

۱. برخی وجه تسمیه «میسر» را به اعتبارات دیگری نیز بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۸۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۵۲؛ سالم، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۲).

۲. پیش‌تر بدان اشاره شد.

۳. مثلاً، خداوند می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره/ ۲۱۹).

۴. مثلاً، از حضرت رضا(ع) نقل شده است: «الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۴).

۵. «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ فَقَالَ كُلُّ مَا تُقَوِّمُ بِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَالْحَوْزُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۳).

۶. ناگفته نماند در برخی از روایات میسر به معنای سوم یعنی گرو (چیزی که وسط گذاشته شده) آمده است. بر اساس روایتی از حضرت رضا(ع) درباره معنای میسر نقل شده است: «الْتَقَلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَالَ الْخُبْرُ وَالْتَقَلُ مَا يُخْرَجُ بَيْنَ الْمُرَاهِقِينَ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَغَيْرِهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴۱). باید گفت معنی کردن میسر به رهن و گرو نیز استعمالی مجازی و به نوعی از باب نامیدن اسم مسبب بر سبب است.

می‌گویند به خاطر آن است که همانند ریزش لعاب از دهان بدون انگیزه و هدف صحیح (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۱۹۱) و غرض عقلایی (انصاری، بی‌تا، ج ۲: ۴۷) انجام می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان لعب را کاری دانست که نفعی ندارد (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۰۳).

۳.۳.۳. مرآه (رهان)

کلمات «مرآه» و «رهان» مصادر باب مفاعله و به معنای «گرو بستن با کسی» هستند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴۴؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۸: ۱۰۹۶۴). این دو واژه همچنین به معنای «مخاطره» یعنی اینکه دو نفر در کاری بزرگ دست به خطر بزنند نیز به کار رفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۸۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۲۵۰) و معنای آن‌ها نزدیک به معنای «خطر بزرگ» و «قمار» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۲۰) بیان شده است. بنابراین می‌توان گفت از آنجا که لغویان در تعریف قمار به عنصر «مرآه» اشاره کرده‌اند که پیش‌تر بدان اشاره شد و با توجه به هم‌معنایی دو واژه «مرآه» و «مخاطره» قاعدتاً بازی‌هایی را می‌توان مصداق قمار دانست که در آن‌ها احتمال خطر و ریسک وجود داشته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۷۵۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۲۱). مؤید این مطلب تعریف برخی از علمای اهل تسنن از قمار است که در آن به مفهوم مخاطره اشاره شده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۵۴؛ مجددی، ۲۰۰۹: ۱۷۷) تا جایی که حتی برخی از آن‌ها در تعریف خود تنها به همین قید اشاره کرده‌اند. در تفسیر قرطبی آمده است:

«مَيْسِرُ الْقِمَارِ، مَا يَتَخَاطَرُ النَّاسُ عَلَيْهِ» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۵۳).

در تفسیر کبیر نیز از برخی نقل شده است:

«كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ خَطَرٌ، فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۰۰).

قابل توجه آنکه در برخی از تعاریفی که از سوی کتب غربی از قمار و موارد مشابه آن صورت گرفته نیز عنصر مخاطره و ریسک و به تعبیری «شانس» نقش محوری دارد؛ مثلاً، فرهنگ آکسفورد قماربازی را به معنای بازی کردن در بازی‌هایی می‌داند که نیازمند شانس است (دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۱: ۱۴۵؛ قبولی درافشان، ۱۴۰۱: ۱۲۱؛ حسین زاده، ۱۳۹۲: ۶۷ - ۶۸).

۴. بررسی حدود قمار از منظر آیات و روایات

پس از ذکر نظریاتی که درباره معنی و مفهوم قمار ارائه شده بود، برای ارائه نظریه مختار، باید حدود و قیود ماهیت قمار از منظر شریعت مورد بررسی قرار گیرد. از همین روی، در ابتدا آیات و سپس مهم‌ترین روایات باب را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۴. دلایل قرآنی

۱.۴.۱. آیه ۲۱۹ سوره بقره: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا» درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند. بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

۱.۴.۱.۱. برداشت اول

کلمه «میسیر» از «یسر» گرفته شده و به معنای آسانی است. پیش از این گفته شد که میسر در قرآن کریم به معنای قمار کردن (نه ابزار قمار) به کار رفته است و از آنجا که مال به دست آمده از راه قمار در پی تلاش به دست نیامده، بلکه بر اثر برنده شدن در بازی و به آسانی کسب شده است، به قمار کردن میسر اطلاق شده است. بنابراین باید در قمار مرآه (گروگذاری) وجود داشته باشد تا آنچه گرو گذاشته شده به آسانی به فرد پیروز برسد.

۱.۴.۱.۱. نقد و بررسی

برخی اشکال کرده‌اند با توجه به آنکه در برخی از روایات میسر به معنای ابزار قمار استعمال شده، استفاده معنای «اکتساب مال» در میسر با وجود چنین روایاتی پشتوانه مناسبی برای استدلال فقهی یادشده نخواهد بود (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶: ۱۵۸).

در پاسخ باید گفت پیش از این روشن شد که میسر در قرآن کریم به معنای فعل قمار کردن به کار رفته و با توجه به سیاق آیات یادشده معنای دیگری نمی‌توان برای آن در نظر گرفت است. پس چنین معنایی (فعل قمار کردن) معنای اصلی میسر خواهد بود و اگر در برخی از روایات میسر بر ابزار قمار اطلاق شده چنین اطلاقی مجازی است. به‌علاوه، این‌طور نیست که در همه روایات میسر تنها به معنای ابزار قمار به کار رفته باشد، بلکه در مواردی به همان معنای فعلی (قمار کردن) به کار رفته که پیش از این بدان اشاره شد.

۴. ۱. ۱. ۲. برداشت دوم

با توجه به واژه «منافع» در عبارت «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ»، از طرفی شراب و قمار منافع و سودهایی برای مردم داشته است، هرچند مسلماً منافع مادی که احیاناً از طریق فروش شراب یا انجام قمار حاصل می‌شود در برابر زیان‌های فوق‌العاده اخلاقی و اجتماعی و بهداشتی این دو بسیار ناچیز است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۹)، و از طرف دیگر منظور از این منافع درباره قمار همان تصرف فرد برنده در چیزی است که بر سر آن قمار صورت گرفته است. و این مطلب بیانگر مدخلیت قید رهان در مفهوم قمار است.

۴. ۱. ۱. ۲. ۱. نقد و بررسی

برخی اشکال کرده‌اند که حصر منفعت قمار در سود مالی بدون دلیل است. سود برای انسان، به دست آوردن چیزی است که از داشتن آن محروم بوده است. این نیاز مادی و گاه غیر مادی است؛ مانند نیازهای روانی و علمی و جسمی. در موارد فراوان انسان‌ها برای به دست آوردن اعتبار و افتخار با گروه‌های مختلف رقابت می‌کنند و حاضر نیستند که حتی با گرفتن رشوه مالی از تلاش برای پیروز شدن دست بردارند. بنابراین بعید نیست برخی از سودها که در آیه شریفه منظور بوده است کسب افتخار و آبرو و رفع نیازهای غیر مادی باشد (اعراف، ۱۴۰۰، ج ۶: ۱۵۸).

در پاسخ می‌گوییم که این مطلب صحیح نیست. چه، در عرب کلمه «منفعت» برای به دست آوردن افتخار، آبرو، اعتبار، و ... به کار نمی‌رود؛ بلکه منسبق به ذهن از منافع میسر همان منفعت مادی و مادی آن است. به‌علاوه، مقتضای اشتقاق «میسر» که از «یسر» گرفته شده آن میسری است که در آن منفعت مالی در کار باشد (برگرفته از صناعی، ۱۳۸۵: ۲۸).

۴. ۱. ۲. آیه ۹۱ سوره مائده: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» مسلماً شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد و از یاد خدا و نماز بازتان دارد. آیا شما [از این امور با همه زیان‌ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟

۴. ۱. ۲. ۱. برداشت

برخی همچون محقق خوینی معتقدند که کینه و دشمنی در قمار تنها زمانی به وجود می‌آید که پای گرو در میان باشد (خوینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۷۵). اما اگر بردو باخت بدون ردوبدل شدن چیزی انجام گیرد، دلیلی برای ایجاد کینه و دشمنی بین دو طرف وجود ندارد.

۴. ۱. ۱. ۲. ۱. نقد و بررسی

هرچند ایجاد کینه و دشمنی به وجود رهان اشعار دارد، از آنجا که اشعار حجت نیست، این استدلال تام نیست و منحصر دانستن ایجاد کینه و دشمنی در صورت وجود رهان بی‌اساس است؛ زیرا چه‌بسا مسابقاتی که بدون گروگذاری صورت می‌گیرد، اما، موجب کینه و دشمنی می‌شود و این مطلبی است که حتی در مسابقات عادی که میان کودکان انجام می‌شود به‌وضوح قابل مشاهده است. به همین دلیل امام خمینی^(ع) معتقد است قمار تنها با رهان نیست که موجب بغض و عداوت می‌شود و ادعای اینکه همه دعواها بر سر پول و رهان است سخن نادرستی است، به‌ویژه نزد ثروتمندان و مرفه‌ان اهل سرگرمی و تفریح (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۱۷).

۴. ۱. ۳. جمع‌بندی آیات

با بررسی دو آیه یادشده چنین نتیجه گرفته می‌شود که رهان (گروگذاری) در مفهوم قمار اخذ شده است. البته آیات مورد اشاره نسبت به مدخلیت قیود «بازی» و «استفاده از ابزار مخصوص به قمار» در مفهوم قمار ساکت‌اند.

۲.۴. دلایل روایی

روایاتی که به نوعی از قمار یا برخی از مصادیق آن سخن گفته‌اند بسیارند؛ طوری که در کتاب جامع/حادث شعیبه بیش از ۵۰ روایت با موضوع قمار و مصادیق آن جمع‌آوری شده است (بروجردی، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۲۰۹ به بعد) که می‌توان آن‌ها را به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول روایاتی هستند که درصدد بیان حرمت قمار هستند؛ دسته دوم ضمن بیان مصادیق قمار (مانند بازی با نرد و شطرنج) به مردم هشدار می‌دهند که از آن‌ها اجتناب کنند؛ دسته سوم نیز روایاتی هستند که اثر مخرب و زیان‌بار قمار را بیان می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۷).

در ادامه به بررسی مهم‌ترین و مرتبط‌ترین روایات باب خواهیم پرداخت:

۲.۴.۱. روایت اول. اسحاق بن عمار می‌گوید به حضرت صادق^(ع) عرض کردم: کودکان با گردو و تخم‌مرغ بازی و قمار می‌کنند. حضرت فرمودند: «از آن نخور. زیرا حرام است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۴)
بر اساس روایتی مشابه، حضرت صادق^(ع) از خوردن گردوهای که بچه‌ها در اثر قمار به دست می‌آوردند نهی می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۳).

در قمار با تخم‌مرغ یا گردو، که بچه‌ها به صورت بازی آن را انجام می‌دهند، تخم‌مرغ‌ها یا گردوهای فردی که می‌بازد به دیگری داده می‌شود که انتقالی غیرشرعی است و چنانچه تخم‌مرغ‌ها و گردوها با هم درآمیزد و مخلوط شود نمی‌توان از هیچ‌یک از گردوها استفاده کرد، مگر آنکه اطمینان پیدا کنند گردوهای هر یک کدام است (نکونام، ۱۳۹۱: ۱۰۸).
واضح است که گردو و تخم‌مرغ برای قماربازی وضع نشده و بالتبع از آلات مخصوص به قمار محسوب نمی‌شوند (نراقی، ۱۴۲۵: ۵۴۷)؛ بنابراین آنچه موجب حرمت اکل شده و عمل یادشده را از مصادیق قمار قرار داده است وجود رهان و گروگذاری در آن بوده است. پس بر اساس این روایت می‌توان گفت که اگر بازی بدون ابزار مخصوص به قمار (مثل تخم‌مرغ) اما با گروگذاری صورت بگیرد قمار محسوب می‌شود.

به‌علاوه، با توجه به کلمه «یلعبون» در روایت می‌توان دریافت که قمار اساساً نوعی بازی و لعب است. بنابراین، برای صدق قمار، باید قید «بازی» را در نظر گرفت؛ وگرنه ممکن است در مواردی (مانند خرید بلیت‌های بخت‌آزمایی، عضویت در شرکت‌های هرمی، شرط‌بندی روی تیم‌های فوتبال، و ...) نیز مال بدون زحمت به انسان برسد، اما نمی‌توان این موارد را از مصادیق قمار دانست.^۱ چه، عنوان «بازی» بر آن‌ها صدق نمی‌کند، هرچند که حرمت موارد یادشده به خاطر دلایل دیگری همچون عنوان کلی «حرمت اکل مال به باطل» و... می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۴.۲. روایت دوم. ابن سعید گوید حضرت کاظم^(ع) خادمی را فرستادند که برای ایشان تخم‌مرغی بخرد. آن خادم یک یا دو تخم‌مرغ گرفت و با آن‌ها قمار کرد. وقتی تخم‌مرغ را آورد حضرت آن را خوردند. یکی از خادمان ایشان گفت: «در این تخم‌مرغ، بخشی از قمار وجود دارد». راوی می‌گوید: «حضرت فرمودند طشتی بیاورند و آنچه را خورده بودند بالا آوردند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۳).

این روایت، صرف‌نظر از بحث دلالتی^۲، با وضوح بیشتری بیان می‌کند که تخم‌مرغ در آن زمان از ابزار مخصوص به قمار نبوده است. چون اگر چنین بود اساساً حضرت از ابتدا از آن‌ها نمی‌خوردند. به‌علاوه، وجود رهان موجب شده است که حضرت تخم‌مرغ‌ها را بالا بیاورند؛ پس بر اساس این روایت نیز می‌توان گفت وجود رهان در مفهوم شرعی قمار اخذ شده است. از همین روی، محقق خوبی در توضیح دو روایت یادشده می‌نویسد: «این روایات دلالت می‌کنند بر تحقق قمار به سبب بازی با غیر آلات قمار.» (خوبی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۷۹)

۲.۴.۳. روایت سوم. از حضرت باقر^(ع) نقل شده است که پیامبر^(ص) در معنای میسر فرموده‌اند: «هر چیزی که با آن قمار شود؛ حتی طاس‌های تخته‌نرد و گردو.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۲)

۱. برخلاف نظر محقق خوبی که «بلیت آزمایش بخت» را از مصادیق حالت اول قمار، یعنی بازی با آلات قمار همراه با راهنه، می‌داند (خوبی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۶۹).
۲. اشکالی مطرح شده که این روایت، بر فرض صدور آن، با علم امام منافات دارد. در این زمینه پاسخ‌هایی داده شده است. می‌توانید به کتاب المعارف السلمانیه فی کیفیه علم الإمام و کمیته مراجعه کنید.

این روایت نیز وضعیتی مشابه روایات قبل دارد. واضح است که گردو از ابزار قمار به شمار نمی‌رفته است، اما وجود رهان موجب شده چنین بازی‌ای از مصادیق قمار به شمار آید.

۴.۲.۴. روایت چهارم. مَعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ از حضرت کاظم^(ع) نقل کرده است: «بازی‌های [نرد، شطرنج، و اربعه‌عشر^۱ حکم

یکسانی دارند و هر چیزی که با آن قمار شود میسر است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۳۹) از این روایت برمی‌آید که نرد و شطرنج و اربعه‌عشر همگی از وسایلی بودند که قماربازان با آن‌ها قمار می‌کردند. به همین جهت از آن‌ها نهی شده است. البته در این میان نرد و شطرنج رایج‌تر بودند و به همین دلیل در روایات زیادی مشخصاً از این دو نهی شده است. در ادامه حضرت در مقام تعلیل می‌فرماید که به طور کلی هر آنچه با آن‌ها قمار شود میسر به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که قمار تنها با ابزار مخصوص به آن صورت نمی‌گیرد، بلکه به طور کلی با هر چه قمار صورت بگیرد (حتی گردو و تخم‌مرغ) میسر محسوب می‌شود. پس آنچه برای تحقق مفهوم قمار مهم است وجود رهان است؛ حتی اگر بازی با ابزاری صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار نمی‌کنند.

۴.۲.۵. روایت پنجم. از حضرت صادق^(ع) درباره آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» نقل شده است: «قریش با اهل و

مال خویش قمار می‌کردند و خداوند آنان را از این کار نهی فرمود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۲)

در این روایت نیز به‌وضوح اشاره شده که در قمار گروگذاری وجود داشته است.

۴.۲.۶. جمع‌بندی روایات. از روایات ذکرشده، صرف‌نظر از بحث سندی آن‌ها، چنین برمی‌آید که در تحقق مفهوم

شرعی قمار وجود این مؤلفه‌ها ضروری است:

اول آنکه قمار اساساً نوعی بازی و لعب است. شاید به همین دلیل است که فقها موردی را که دو نفر در یادگیری تجوید قرآن یا خطاطی مسابقه دهند و مالی را نیز در بین خود شرط کنند از مصادیق قمار نمی‌دانند (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۸). زیرا با اینکه در اینجا رهان وجود دارد، چون عرفاً عنوان «بازی» بر چنین مسابقه‌هایی صدق نمی‌کند، این موارد را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست. از همین روی، برخی گفته‌اند که عمل اشخاص باید در عرف بازی باشد تا قمار بر آن صدق کند. مسابقه در کتابت، نجاری، و امثال آن‌ها که حرفه و صنعتی است، حتی اگر برای فرد برنده چیزی در نظر گرفته شود، مصداق قمار نیست (تبریزی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۱۸)؛ زیرا در این صورت مال به شکل آسان و بدون زحمت، آنگونه که در بازی قمار چنین است، به فرد برنده نمی‌رسد، بلکه برای به دست آوردن آن باید از طریق کسب تخصص، تمرین، و ... زحمت کشیده شود.^۲ به‌علاوه، قبلاً گفته شد که «لعب» به معنای عملی است که در آن انگیزه صحیح و غرض عقلایی و اساساً منفعتی موجود نباشد، حال آنکه این موارد در مثال‌های یادشده وجود دارند.

دوم آنکه در تحقق مفهوم قمار «وجود راهن» (گروگذاری) شرط است. زیرا در روایات اشاره شده بود که حتی بازی با گردو و تخم‌مرغ، که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار نمی‌کنند، با وجود راهن قمار بوده و حرام است.

محقق خوبی معتقد است که اگر قید «آلات مخصوص به قمار» در تعریف قمار مدخلیت داشته باشد چنین تعریفی دوری خواهد بود. زیرا شناخت «آلات قمار» متوقف به تفسیر و تبیین معنای «قمار» می‌شود (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۷۷). بنابراین در مفهوم شرعی «قمار» وجود ابزار مخصوصی لحاظ نشده، همچنان که در مفهوم «قتل» وجود آلات خاصی شرط نیست (درس خارج فقه اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۵/۰۶/۲۸).

مؤید دیگر آنکه معمولاً اختلاف فقها درباره حکم بازی‌هایی است که فاقد گرو هستند. اما اگر در بازی‌ای گرو و عوض وجود داشته باشد، نسبت به حرمت آن هم‌داستان‌اند. محقق خوانساری درباره «گروگذاری برای بازی با غیر آلات قمار» مانند گروگذاری برای برداشتن سنگ سنگین، کشتی، و ... که نصی بر جواز آن نرسیده است، می‌گوید: «ظاهراً اختلافی در حرمت

۱. «اربعه‌عشر» نوعی ابزار چوبی برای بازی است؛ بدین شکل که زاویه‌های سه مربع تو در تو با یک خط به هم متصل شده‌اند و میان هر دو زاویه نیز خطی وجود دارد و مجموع نقاط محل اتصال بیست‌وچهار نقطه می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۲۲؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۳: ۸۸).

۲. در بیشتر نظام‌های حقوقی بازی‌های مبتنی بر شانس (Game of Chance) مشمول عنوان مجرمانه «قمار» قرار می‌گیرند و بازی‌های مبتنی بر مهارت (Game of Skill) مجاز محسوب می‌شوند (چگنی، ۱۳۹۸: ۳۴۱ و ۳۴۲).

چنین مسابقاتی نیست ... و شاهد این ادعا آن است که فقیهان محل نزاع و اختلاف را مسابقاتی قرار می‌دهند که گرو و عوضی در آن نباشد.» (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۸)

۵. تعریف برگزیده

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که همان‌طور که مقومات اصلی معنای لغوی قمار «لعب» (بازی)، «غلبه» (پیروزی)، و «رهان» (گروگذاری) بود، از نظر شرع نیز مفهوم قمار زمانی صدق می‌کند که اولاً پای بازی در میان باشد، ثانیاً با گروگذاری که مفهوم غلبه را با خود دارد همراه باشد و فرقی ندارد بازی با وسایلی صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار می‌کنند (مانند پاسور و بیلیارد) یا بدون این ابزار باشد (مانند منچ و فوتبال). بنابراین روشن شد که وجود ابزار قمار، برخلاف آنچه برخی ادعا کرده بودند، مدخلیتی در تحقق مفهوم قمار ندارد.

برای دستیابی به تعریفی دقیق از قمار ذکر چند نکته ضروری است:

اول. در تعریف قمار، مفهوم «مخاطره» نیز باید در نظر گرفته شود. چه، بر اساس آنچه قبلاً گفته شد این مفهوم در درون مفهوم «مراهنه» (رهان) وجود داشته و شاید به همین جهت باشد که فقهای شیعه، برخلاف اهل تسنن، در تعریف قمار نوعاً به این مفهوم اشاره نکرده‌اند. بیش از این اشاره شد که مخاطره یعنی اینکه دو نفر در کاری بزرگ دست به خطر بزنند؛ یعنی هر یک از طرفین قمارکننده مال خود را در معرض خطر از دست رفتن قرار دهند. از معدود افرادی که مفهوم مخاطره را به صورت یک مفهوم مستقل مورد بررسی قرار داده شهید صدر است. از نظر وی، تحریم قمار و درآمدهای ناشی از آن در اسلام به دلیل عدم مشروعیت مخاطره است (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۳).

همچنین، بر این اساس می‌توان گفت قمار زمانی محقق می‌شود که طرف‌های مسابقه خود اقدام به گروگذاری کنند، نه آنکه طرفی خارج از بازی گرو قرار دهد؛ زیرا در این صورت بازنده ملزم به چیزی نمی‌شود و اساساً مفهوم مخاطره و ریسک^۱ نسبت به او معنی پیدا نخواهد کرد.^۲ به همین دلیل، بازی‌های متعارفی نظیر فوتبال، کشتی، و ... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست. چه، در آن‌ها جایزه توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود. البته در همین بازی‌ها اگر طرف‌های بازی خود گروگذاری کنند به‌نوعی که عرفاً با مخاطره همراه باشد بازی آن‌ها مصداق قمار خواهد بود. همچنان است که برخی از علمای عامه با توجه مفهوم مخاطره و ریسک طرفینی، آنجایی را که تنها یک طرف چیزی به عنوان گرو قرار دهد و خطر متوجه طرف دیگر نباشد، قمار نمی‌دانند (ملحم، بی‌تا: ۳۴۵).

دوم. قمار اختصاصی به بازی‌های دونفره ندارد و می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود؛ طوری که برخی از حقوق‌دانان نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۱۰۰۳). گواه این مدعا گزارش‌هایی از جاهلیت است که بر اساس آن‌ها قمار در بیشتر موارد با طرف‌های متعدد و به صورت گروهی صورت می‌گرفته است (ملحم، بی‌تا: ۶۹).

سوم. گرو، آنگونه که از کلام مشهور فقها برمی‌آید، تنها در مال خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند تعهدی بر انجام دادن کاری باشد؛ همان‌طور که برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۷۷) نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند. در نهایت، بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان قمار را بدین شکل تعریف کرد:

قمار بازی دو یا چند نفره‌ای است که در آن طرف‌های بازی به منظور غلبه بر دیگری و با پذیرش احتمال ضرر اقدام به گروگذاری می‌کنند؛ بدین ترتیب که بازنده/بازندگان باید مالی به برنده/برندگان بدهد یا کاری برای او/آنان انجام دهد.

۵. ۱. مشخصات تعریف برگزیده

مشخصات این تعریف و وجه تمایز آن نسبت به دیگر تعاریف ارائه‌شده از قمار عبارت است از:

۵. ۱. ۱. کلمه «بازی» در تعریف به این نکته اشاره دارد که اساساً بر مواردی که مصداق بازی نیستند (مانند مسابقه در

۱. به نظر می‌رسد مخاطره و ریسک مفاهیمی مترادف دارند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۶: ۸).

۲. برخی از علمای اهل تسنن به این مطلب اشاره کرده‌اند (ملحم، بی‌تا: ۳۴۵).

یادگیری قرآن یا خطاطی)، حتی با وجود راهنما، قمار صدق نمی‌کند.

۵. ۱. ۲. عبارت «دو یا چند نفره» بیانگر آن است که قمار اختصاصی به بازی‌های دو نفره ندارد و می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود.

۵. ۱. ۳. عبارت «اقدام به گروه‌گذاری» بیانگر آن است که بازی‌ای را که در آن گروه‌گذاری توسط «طرف/طرف‌های خارج از بازی» انجام شود نمی‌توان قمار نامید (اگرچه ممکن است به دلایل دیگر شرعاً اشکال داشته باشد).

۵. ۱. ۴. عبارت «خطر ضرر» نشانگر آن است که اساساً بر بازی‌های متعارفی که در آن‌ها مخاطره و ریسک وجود ندارد (مانند فوتبال، کشتی، شانس و ...) و جایزه توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود قمار صدق نمی‌کند.

۵. ۱. ۵. کلمات «مال» و «کار» در تعریف بیانگر آن است که «راهنما» شرط قمار است و بازی‌هایی که در آن‌ها گروه وجود ندارد (چه با آلات مخصوص به قمار انجام شوند مانند بازی با شطرنج برای تفریح و چه بدون آن‌ها مانند بازی با منج برای تفریح) مصداق قمار نیستند.

۶. حرمت بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون راهنما

بر اساس تعریف ارائه‌شده از قمار، از بین حالت‌های چهارگانه، که در ابتدای مقاله بدان اشاره شد، عنوان «قمار» تنها بر حالت‌های اول (بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروه‌گذاری) و سوم (بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار همراه با گروه‌گذاری) به دلیل وجود راهنما صدق می‌کند و حکم آن‌ها نیز حرمت است. حالت چهارم (بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار بدون گروه‌گذاری) نیز اساساً قمار نیست و همان‌طور که گفته شد در حکم آن نیز اختلاف وجود دارد. همچنین بر اساس آنچه آمد بدیهی است که نمی‌توان حالت دوم (بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون گروه‌گذاری) را به دلیل نبود رهان مصداق قمار دانست.^۱ در عین حال، مشهور این حالت را حرام دانسته‌اند و چه‌بسا بتوان منشأ دیدگاه مشهور را صدق عنوان «تشبه به اهل معاصی» و از باب حرمت اشاعه فحشا (نکونام، ۱۳۹۱: ۵۶) یا شمول عنوان «میسر» نسبت به آلات قمار (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۱۲) دانست. برخی نیز در این زمینه به پاره‌ای از روایات (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸۰ - ۱۸۱) استناد کرده‌اند یا به اطلاق عباراتی همچون «لَا تَقْرُبُوهُمَا» (نزدیک آن دو نشوید) (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۱) درباره شطرنج و نرد تمسک جسته‌اند و معتقدند حرمت به حالت لعب بدون عوض نیز تعلق می‌گیرد (انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۱ - ۳۷۲؛ خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۲۳؛ همچنین سبحانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۶۵۲). البته اطلاق‌گیری یادشده به شرطی صحیح است که صدور چنین احادیثی را به دلیل وجود خصوصیتی در خود نرد و شطرنج ندانسته و عبارت «لَا تَقْرُبُوهُمَا» را شامل سایر آلاتی که عادتاً برای قمار استفاده می‌شود (مانند پاسور و بلیارد) نیز بدانیم.

یافته‌ها و نتیجه

۱. با بررسی کتب لغت روشن شد که می‌توان واژه «قمار» را با کلمه قرآنی «میسر»، که از «یسر» به معنای آسانی گرفته شده، هم‌معنی دانست. از آنجا که مال به‌دست‌آمده از راه قمار به آسانی و بدون زحمت به شخص برنده می‌رسد، از قمار تعبیر به میسر شده است. اسلام اکتساب ثروت را به گونه یادشده مشروع نمی‌داند. از همین روی، چه‌بسا خداوند در قرآن کریم به جای کلمه «قمار» از واژه «میسر» استفاده کرده است تا به نوعی به وجه حرمت این عمل نیز اشاره‌ای داشته باشد.

۲. قمار از نظر اصطلاحی در میان فقها چندان تعریف روشن و دقیقی، که جامع افراد و مانع اغیار باشد، ندارد. به‌علاوه، تعاریف موجود گاه ناهمگون است و منشأ آثار متفاوتی در علم فقه شده است؛ طوری که در مصداق‌یابی اشتباهاتی رخ داده تا آنجا که برخی از فقها به تبعیت از اهل تسنن مفهوم قمار را علاوه بر بازی‌ها در معاملات غرری نیز به کار برده‌اند.

۳. مقومات اصلی معنای لغوی قمار «لعب» (بازی)، «غلبه» (پیروزی)، «رهان» (گروه‌گذاری)، و «مخاطره» (ریسک) است. از منظر شرع نیز مفهوم قمار زمانی صدق می‌کند که اولاً پای بازی در میان باشد، ثانیاً با گروه‌گذاری، که دو مفهوم «غلبه» و «خطر ضرر برای بازنده» را با خود دارد، همراه باشد و فرقی ندارد بازی با وسایلی صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار می‌کنند

۱. در این میان، برخی معتقدند حتی اگر این قسم، مصداق قمار باشد، حرام شمردن آن مشکوک است (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۷).

(مانند پاسور و بیلپارد) یا آنکه بدون این ابزار باشد (مانند منج و فوتبال). بنابراین وجود ابزار قمار، برخلاف آنچه بسیاری ادعا کرده بودند، مدخلیتی در تحقق مفهوم قمار ندارد. همچنین با اینکه درباره بازی با ابزار مخصوص به قمار اما بدون مرآه (مانند بازی با پاسور به شکل تفریحی) مشهور فقها قائل به حرمت شده‌اند، به دلیل فقدان رهان، نمی‌توان این موارد را از مصادیق قمار دانست و علت حرمت آن را باید در ادله دیگری همچون حرمت اشاعه فحشا جست‌وجو کرد.

۴. قمار نوعی «لعب» و بازی‌ای است که در آن انگیزه صحیح و غرض عقلایی موجود نباشد. بر همین اساس، مواردی که عنوان بازی بر آن‌ها صدق نمی‌کند (مانند مسابقه دو نفر در یادگیری تجوید قرآن یا خطاطی)، حتی با وجود رهان، از مصادیق قمار محسوب نمی‌شوند. به علاوه، در موارد یادشده مال به شکل آسان و بدون زحمت، آنگونه که در بازی قمار چنین است، به فرد برنده نمی‌رسد؛ بلکه برای به دست آوردن آن باید از طریق کسب تخصص، تمرین، و ... زحمت کشیده شود. همچنین مواردی مانند خرید بلیت‌های بخت‌آزمایی، عضویت در شرکت‌های هرمی، شرط‌بندی بر روی تیم‌های فوتبال، و ... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست. چه، عنوان «بازی» بر آن‌ها صدق نمی‌کند. البته حرمت موارد یادشده به دلایل دیگری همچون عنوان کلی «حرمت اکل مال به باطل» و ... می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۵. در تعریف قمار، در نظر گرفتن مفهوم «مخاطره» (ریسک) ضروری است. چه، این واژه از نظر لغت با «مراهنه» (رهان) هم‌معنی است و عرف نیز وجود آن را در بازی‌های قمار تأیید می‌کند. این مفهوم در تعاریف اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه، برخلاف برخی از اهل تسنن، به چشم نمی‌خورد. همچنین بر این اساس می‌توان گفت قمار زمانی محقق می‌شود که طرف‌های مسابقه خود اقدام به گرو‌گذاری کنند، نه آنکه طرفی خارج از بازی گرو قرار دهد. چون در این صورت بازنده ملزم به چیزی نمی‌شود و اساساً مفهوم مخاطره و ریسک نسبت به او معنی پیدا نخواهد کرد. به همین دلیل بازی‌های متعارف نظیر فوتبال، کشتی، و ... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست. چه، در آن‌ها جایزه توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود. البته در همین بازی‌ها اگر طرف‌های بازی خود گرو‌گذاری کنند، به نوعی که عرفاً با مخاطره همراه باشد، بازی آن‌ها مصداق قمار خواهد بود.

۶. قمار اختصاصی به بازی‌های دونفره ندارد و برخلاف تعاریف متداول از آن می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود.

۷. گرو در قمار، برخلاف آنچه از کلام مشهور فقها برمی‌آید، تنها در مال خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند تعهدی بر انجام

دادن کاری باشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۹۹). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. بيروت: المكتبة العلمية.
- ابن تیمیه، احمد (۱۴۰۸). *الفتاوى الكبرى*. بی جا: دار الکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
- اعرافى، علیرضا (۱۴۰۰). *مکاسب محرمة*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). *الغدير في الكتاب والسنة والأدب*. قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰). *کتاب المکاسب*. با تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر. قم: دار الکتب.
- _____ (بی تا). *کتاب المکاسب*. بی جا: تراث الشیخ الأعظم.
- ایروانی نجفی، علی (۱۳۸۴). *حاشیة المکاسب*. تهران: کیا.
- بحرانی، یوسف (بی تا). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- بروجردی، سید حسین (۱۴۱۵). *جامع أحاديث الشيعة*. قم: بی نا.
- تبریزی، جواد (۱۳۹۹). *إرشاد الطالب الى تعلیق المکاسب*. قم: مطبعة مهر.
- جعفر فرد، محسن (۱۳۹۸). *ماهیت قمار در فقه امامیه با تطبیق بر مصادیق نوظهور در رسانه ملی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- چگنی، مهدی و موسوی، سید احمد (۱۳۹۸). *قماربازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری*. مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۱۰۰، ۳۵۸-۳۳۱.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسین زاده، جواد و موسی زاده، فرنوش (۱۳۹۲). *مقایسه قرارداد اختیار معامله با قمار در حقوق ایران و انگلیس*. پژوهش های حقوق تطبیقی، سال ۱۷، شماره ۴، ۶۳-۸۴.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
- حسینی عاملی، محمد جواد (بی تا). *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة للفقیه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حکمت نیا، محمود و نظری علوم، میثم (۱۳۹۶). *واکاوی مفهوم مخاطره در قراردادهای با تأکید بر مفاهیم قمار و غرر*. پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۸، شماره ۴۶، ۵-۲۶.
- حلی، حسن (۱۴۱۲). *منتهی المطلب في تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- _____ (بی تا). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲). *استفتائات امام خمینی*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- _____ (۱۴۳۴). *المکاسب المحرمة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- _____ (بی تا). *رسالة توضیح المسائل (مراجع)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهة*. قم: مکتبه الداوری.
- دانشگاه آکسفورد (۲۰۰۱). *فرهنگ آکسفورد المنتری*. بی جا: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*. تهران: روزنه.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- زمخشری، محمود (۱۳۹۹). *أساس البلاغة*. بیروت: دار صادر.

- _____ (بی تا). *الفاثق فی غریب الحدیث*. بی جا: دار الکتب العلمیه.
- سالم، کمال بن سید (بی تا). *صحیح فقه السنه و أدلته و توضیح مذاهب الأئمه*. قاهره: المكتبة التوفيقية.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۶). *المواهب فی تحریر احکام المكاسب*. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).^(۴)
- سعدی، محمد (۱۴۳۲). *مجموع مؤلفات الشيخ العلامة عبدالرحمن بن ناصر السعدی رحمه الله*. ریاض: دار المیمان.
- شهیدثانی، زین الدین (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴). *فتح القدير*. دمشق: دار ابن کثیر.
- صاحب بن عبّاد، اسماعیل (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الكتاب.
- صافی، لطف الله (۱۴۲۸). *هدایة السائل*. قم: مکتب سماحه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۵). *قمار، مسابقات و سرگرمی*. قم: میثم تمار.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). *اقتصادنا*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی کربلایی، سید علی (۱۴۰۴). *ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).^(۴)
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية.
- عیاشی، محمد (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعة العلمیه.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰). *التفسیر الكبير*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قبولی درافشان، سید محمدهادی و بخشی، رقیه (۱۴۰۱). بررسی صدق موضوعی قمار بر شرط بندی های اینترنتی با تأکید بر اندیشه های امام خمینی (ع). *متین*، سال ۲۴، شماره ۹۶، ۱۱۹-۱۵۰.
- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر القمی*. قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *حقوق مدنی (مشارکتها - صلح)*. تهران: گنج دانش.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۰). *شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر*. نجف: الذخائر.
- مجددی برکتی، محمد (۲۰۰۹). *التعريفات الفقهيّة*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. تهران: استقلال.
- محقق کرکی، علی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).^(۴)
- محمدی، احمد و سلطانی فرد، جواد (۱۴۰۲). *انطباق سنجی «استخراج رمز ارزها در بستر بلاک چین» با «قمار» از منظر فقه امامیه*. *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، سال ۲۴، شماره ۶۲، ۷۸۱-۸۱۴.
- مسعودی، علی (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجوهر*. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد (بی تا). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- ملحم، سلیمان (بی تا). *القمار حقیقتنه و احکامه*. ریاض: دار کنوز اشبیلیا.
- موسوی خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. تهران: مکتبه الصدوق.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). *مذهب الأحکام فی بیان حلال و الحرام*. قم: دار التفسیر.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع).
- _____ (۱۴۲۵). *الحاشیه علی الروضه البهیة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نکونام، محمدرضا (۱۳۹۱). *قمار*. تهران: صبح فردا.
- نوری، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع).
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت^(ع)*. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^(ع).

The Holy Quran.

- Al- Mas'oodi, A. (1988). *Murooj uz-Zahab*. Qom: Dār al-Hijrah Institute. (in Arabic)
- Amīnī, A. H. (1995). *Al-Ġadīr*. Qom: Al-Ġadīr Center for Islamic Studies. (in Arabic)
- Ansārī, M. (1989). *Kitāb al-Makāsib*. Qom: Dār al-Ketāb. (in Arabic)
- (n.d.). *Kitāb al-Makāsib*. n.p.: Torāṭ. (in Arabic)
- A'rafī, 'A.R. (2021). *Makāsib Muḥarramah*. Qom: Eshraq va 'Erfan Institute. (in Persian)
- Ayyashi, M. (2001). *Tafsīr al-Ayyashi*. Tehrān: al-Maṭba'a al-'Elmīya. (in Arabic)
- Bahrānī, Y. (n.d.). *Al-Ḥadā'iq al-Nādirah*. Qom: al-Nashr al-Islāmī Institute. (in Arabic)
- Borujerdi, S. H. (1994). *Jamī' ahadith al-Shi'a*. Qom: No Publisher. (in Arabic)
- Čegīnī, M. (2019). Gambling in Cyberspace from the Perspective of Criminal Law. *Majles va Rāhbord*, 26 (100). (in Persian)
- Dehkhodā, A.A. (1993). *Loghatnameh Dehkhoda*. Tehran: Rozaneh. (in Persian)
- Fakhr Rāzī, M. (1999). *Al-Tafsīr al-Kabīr*. Bayrūt: Dār Ehyā' al-Torāṭ al-'Arabī. (in Arabic)
- Farāhīdī, K. (1988). *Ketāb al-'Ayn*. Qom: Hejrat. (in Arabic)
- Fayyūmī, A. (1993). *Al-Miṣbāḥ Al-Monīr*. Qom: Dār al-Hejra Institute. (in Arabic)
- Ghaboli Dorafshān, S. M. H. (2022). A Study of Thematic Truth of Gambling Concerning Internet Betting with an Emphasis on Imam Khomeini's Views. *Matin*, 24 (96). (in Persian)
- Hāšemī Šāhrūdī, M. (2003). *Farhang-e Feqah-e Motābeq ba Mazhab-e Ahl-e Bayt* (Jurisprudence Dictionary According to the School of Ahl al-Bayt). Qom: Dāyerat al-Ma'āref-e Feqah-e Eslāmī Institute. (in Persian)
- Hekmat-Niā, M. (2017). Explaining the concept of risk in Islamic legal system with emphasis on Gharar and gamble concepts. *Journal of Islamic Law Research*, 18 (2). (in Persian)
- Helli, H. (1991). *Muntaha Al-Matlab*. Mashhad: Islamic Research Academy. (in Arabic)
- (n.d.). *Tadhkirat al-fuqahā'*. Qom: Al al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Ḥorr 'Amelī, M. (1988). *Tafṣīl Wasā'el al-Ši'a*. Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Ḥosaynī 'Amelī, M. J. (n.d.). *Miftāḥ al-Karāma*. Qom: al-Našr al-Eslāmī Institute. (in Arabic)
- Ḥosaynī Zobaīdī, M. M. (1993). *Tāj al-'Arūs*. Bayrūt: Dār al-Fekr. (in Arabic)
- Ḥosaynzadeh, J. (2013). A Comparison of Option Contract and Gamble in Iranian and English Legal Systems. *Comparative Law Research*, 17 (4). (in Persian)
- Ibn Āthīr, M. (1978). *Al-Nihāyah fī Gharīb al-Ḥadīth val Athar*. Bayrūt: Al-Maktaba al-'Ilmīyah. (in Arabic)
- Ibn Fāris, A. (1983). *Mo'jam-e Magha'is-al Loghah*. Qom: Islamic Information Office. (in Arabic)
- Ibn Manzūr, M. (1993). *Lisan Al-Arab*. Bayrūt: Dār al-Fikr. (in Arabic)
- Ibn Shu'ba al-Ḥarrānī, H. (1983). *Tuhaf al-'uqul*. Qom: A Notebook of Islamic Publications and the University of Teachers' Seminary in Qom. (in Arabic)
- Ibn Taymiyyah, A. (1987). *Al-Fatāwā al-Kubrā*. n.p.: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah. (in Arabic)
- Īrvānī Najafī, M.A. (2005). *Hāshīyah al-Makāsib*. Tehrān: Kīā. (in Arabic)
- Jafarfard, M. (2019). *Mahiat-e Ghomar*. Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian)
- Jāfarī Langarūdī, M.J. (1999). *Mabsūt Dar Terminology-e Hoqūq* (Terminology of Law). Tehrān: Gang-e Danesh. (in Persian)
- Kāšef al-Ġetā, J. (1999). *Šarḥ al-Šeyḵ Ja'far*. Najaf: al-Žaqā'er. (in Arabic)
- Katouzian, N. (2014). *Hoghogh-e madani*. Tehran: Ganj-e Dānesh. (in Persian)
- Khomeini, S. R. (2013). *Estiftāat*. Qom: Imam Al-Khomeini Editing and Publishing Institute. (in Persian)
- (2012). *Al-Makāsib Al-Muḥarramah*. Tehrān: Imam Al-Khomeini Editing and Publishing Institute.

(in Arabic)

- (n.d.). *Tozih Al-masā'il*. Qom: Islamic Publications Office. (in Persian)
- Kolaynī, M. (1986). *Al-Kāfi*. Tehrān: Dār al-Ketāb al-Eslāmīya. (in Arabic)
- Ḳū'ī, S. A.Q. (1998). *Misbāḥ al-Feqaha*. Qom: Maktabat al-Dāvārī. (in Arabic)
- Majlesī, M.B. (1982). *Behār al-Anwār*. Bayrūt: Dār Eḥyā' al-Torāṭ al-'Arabī. (in Arabic)
- Makārem Širāzī, N. (1992). *Tafsīr-e Nemūne*. Tehrān: Dār al-Ketāb al-Eslāmīya. (in Persian)
- Mohagheq Helli, J. (1988). *Shraye al-Islam*. Tehrān: Istighlāl. (in Arabic)
- Mohaqqeq Karakī, 'A. (1993). *Jāme' al-Maqāsed*. Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Mojaddedi Barakati, M. (2009) *Al-Ta'rifat al-Fiḥiyya*. Bayrūt: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (in Arabic)
- Moqaddas Ardabilī, A. (n.d.). *Majma' al-Fā'eda va al-Borhān*. Qom: Mo'assesat al-Našr al-Eslāmī. (in Arabic)
- Mostafavī, H. (1989). *Al-Taḥqīq*. Tehrān: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmī. (in Arabic)
- Mohammadi, A. & Soltanifard, J. (1981). Assessing the Conformity of "Cryptocurrency Mining on Blockchain" with "Gambling" [Ghomar] from the Perspective of Imamia Jurisprudence. *Journal of Islamic Law Research*, 24 (62). (in Persian)
- Mulḥim, S. (n.d.). *Al-Qomār Ḥaqīqatoh va Ahkāmoh*. Rīyāz: Dār Konūz Ešbīliyā. (in Arabic)
- Mūsavī Ḳonsārī, S. A. (1976). *Jāme' al-Madārek*. Tehrān: Maktabat al-Šadūq. (in Arabic)
- Mūsavī Sabzevārī, S. 'A.A'. (n.d.). *Mohaḏab al-Ahkām*. Qom: Dār al-Tafsīr. (in Arabic)
- Najafī, M.H. (1983). *Javāher al-Kalām*. Bayrūt: Dār Eḥyā' al-Torāṭ al-'Arabī. (in Arabic)
- Narāqī, A. (1994). *Mostanad al-Šī'a*. Qom: Mo'assesat Āl al-Bayt. (in Arabic)
- (2004). *Al-Hāshya Al al-Rawdah Al-Bahiya*. Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
- Nekūnām, M. R. (2012). *Qomār (Gambling)*. Tehrān: Sobh-e Fardā. (in Persian)
- Nūrī, H. (1987). *Mostadrak al-Vasā'el*. Qom: Mo'assesat Āl al-Bayt. (in Arabic)
- Qommi, A. (1983). *Tafsīr Al- Ghommi*. Qom: Dār al-Kitab. (in arabic)
- Qurtubi, M. (1985). *Al-Jami' li-Ahkām al-Qur'an*. Tehrān: Naser Khosrow. (in Arabic)
- Rāḡeb Ešfahānī, H. (1991). *Moḡradāt Alfāz al-Qur'ān*. Bayrūt: Dār al-Qalam. (in Arabic)
- Sa'di, M. (2010). *Majmu' Mu'allafat*. Riyadh: Dār al-Maimān. (in Arabic)
- Šadr, M.B. (1996). *Eḡtešādonā*. Qom: Maktab al-E'lām al-Eslāmī. (in Arabic)
- Šaduq, M. (1983). *Al Khisal*. Qom: A Notebook of Islamic Publications and the University of Teachers' Seminary in Qom. (in Arabic)
- Šāfi, L. (2007). *Hedāyat al-Sā'el*. Qom: Maktab Samāḥat Āyatollāh al-'Ozmā al-Šāfi al-Golpāyegānī. (in Arabic)
- Šāhib b. 'Abbād, E. (1993). *Al-Moḥīṭ fi al-Loḡa*. Bayrūt: 'Ālam al-Ketāb. (in Arabic)
- Šāhid Ṭānī, Z.D. (1992). *Masālek al-Afhām*. Qom: al-Ma'āref al-Eslāmīya Institute. (in Arabic)
- Sālim, Kamāl (n.d.). *Sahih Fiḥ al-Sunnah*. Cairo: Al-Maktaba Al-Tawfiqiyya. (in Arabic)
- Šānei, Y. (2006). *Ghomār*. Qom: Meysam Tamār. (in Persian)
- Shokāni, M. (1993). *Fath al-Qadir*. Damascus: Dar Ibn Kathir. (in Arabic)
- Subhāni, J. (1995). *Al-Mawahib*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, S. A. (1983). *Riyadh al-Masa'il*. Qom: Al al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, S. M.H. (2011). *Al-Mizān*. Lobnān: al-A'lāmī lel-Maṭbū'āt Institute. (in Arabic)
- Ṭabresī, F.H. (1994). *Majma' al-Bayān*. Bayrūt: al-A'lāmī lel-Maṭbū'āt Institute. (in Arabic)
- Tabrīzī, J. (1978). *Irshād al-Ṭālib*. Qom: Maṭba'ah Mehr. (in Arabic)
- Turayḥī, F.D. M. (1996). *Majma' al-Baḥrayn*. Tehrān: Mortaḏawī. (in Arabic)
- Ṭusi, M. (2008). *Al-Mabsoot*. Tehrān: Al-Maktaba al-Murtadawiyya. (in Arabic)
- University of Oxford (2001). *The Oxford Elementary Dictionary*. n.p.: Yadavāre -ye kitāb Institute.
- Zamaḡšārī, M. (1978). *Asās al-Balāḡa*. Bayrūt: Dār Šāder. (in Arabic)
- (n.d.). *Al-Fa'iq Fi Gharib Al-Hadith*. n.p.: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (in Arabic)